



Research Paper

A survey on evolution of architecture of Bayazid Bastami's complex, With emphasis on the Ilkhanid era

Meissam Aliei*¹¹ Archaeology.Faculty of humanities. University of Gonabad. Khorassan Razavi. Iran

10.22080/JIAR.2021.22301.1013

Received:

May 28, 2023

Accepted:

July 31, 2023

Available online:

September 5, 2023

Keywords:

architecture, ilkhanid, Bastam, complex, Bayazid Bastami

Abstract

Complex of Bayazid Bastami located in Bastam city, Semnan province, is one of the examples of religious architecture in Iran in the Ilkhanate era. Due to the existence of the tomb of the famous mystic, Bayazid Bastami (161-234 AH), this complex has been considered by various governments and kings since the early Islamic period and many constructions have taken place in different periods - from Buids to Qajar eras. Most of the buildings of this complex and also the restorations are related to the Ilkhanid era and especially the period of Sultan Mahmud Ghazan Khan (694-703 AH) and Sultan Mohammad Khodabandeh Al-Jaitu (703-716 AH). Al-Jaitu, because of his devotion to Bayazid, even chose the names of some of his children from the names and titles of Bayazid - Bastam, Bayazid and Tayfur. In this paper, it has been tried to study and analyze the major Ilkhanid buildings of the complex. The research method in this paper is descriptive-analytical and the data of this paper have been collected through documentary studies and field studies with a theoretical approach to cultural history studies.

***Corresponding Author:** Meissam Aliei**Address:** Archaeology.Faculty of humanities.
University of Gonabad. Khorassan Razavi. Iran**Email:** meissamaliei@gonabad.ac.ir**Tel:** 05157258131



علمی

سیری در تحول معماری آرسن بایزید بسطامی، با تأکید بر عصر ایلخانی

میثم علیئی^{*۱}

^۱ دکترای تخصصی، گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی گناباد، خراسان رضوی، ایران



10.22080/JIAR.2021.22301.1013

چکیده

آرسن (مجموعه بنا) بایزید بسطامی واقع در شهر بسطام، استان سمنان، یکی از نمونه‌های شاخص معماری مذهبی ایران در عصر ایلخانان به‌شمار می‌رود. این مجموعه به دلیل وجود مقبره‌ی عارف نامی، بایزید بسطامی (۱۶۱-۲۳۴ ه.ق)، از همان ادوار اولیه‌ی اسلامی مورد توجه حکومت‌ها و سلاطین مختلف بوده و ساخت و سازهای متعددی در دوران مختلف از عصر دیلمیان تا دوران قاجار در آن صورت گرفته است. بیشترین بناهای این آرسن و نیز مرمت‌های انجام‌شده مربوط به عصر ایلخانی و خاصه دوران سلطان محمود غازان‌خان (۶۹۴-۷۰۳ ق) و سلطان محمد خدابنده الجایتو (۷۰۳-۷۱۶ ق) است. الجایتو به دلیل ارادتی که به بایزید داشت، حتی نام برخی فرزندان خود را از روی نام و القاب بایزید - بسطام، بایزید و طیفور انتخاب کرد. در این مقاله، سعی شده تا عمده بناهای ایلخانی مجموعه، بررسی و تحلیل شود. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و داده‌های این مقاله به روش مطالعات اسنادی و بررسی‌های میدانی با رویکرد نظری مطالعات تاریخ فرهنگی گردآوری شده است.

تاریخ دریافت:

۷ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۹ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ انتشار:

۱۴ شهریور ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها:

معماری، ایلخانی، بسطام، آرسن (مجموعه بنا) بایزید بسطامی

۱ مقدمه

کم و باریک تشکیل شده است که میان کوه‌های البرز در شمال و کویر لوت در جنوب محصور است. شاهراه بزرگ خراسان که از ری در اقلیم جبال می‌آمد و به نیشابور در خراسان منتهی می‌گردید، از سراسر ایالت قومس می‌گذشت و همه‌ی شهرهای مهم

۱٫۱ جغرافیا و سرگذشت قومس و بسطام

در حاشیه‌ی شمالی کویر لوت، منطقه‌ای واقع است که در گذشته به «قومس/ کومش/ قومس» شهرت داشت. ایالت کوچک قومس از سرزمینی با وسعت

* نویسنده مسئول: میثم علیئی

آدرس: گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی گناباد، خراسان رضوی، ایران

ایمیل: meissamaliei@gonabad.ac.ir
تلفن: ۰۵۱۵۷۲۵۸۱۳۱

۲ پیشینه‌ی مطالعات و فعالیت‌ها در ارسن بایزید بسطامی

بزرگترین برنامه‌های معماری در عصر ایلخانان، مجموعه‌های تدفینی/ مجموعه مزارها بودند. این مقابر نوعاً در موقوفه‌های متعلق به پارسایان و زاهدان ادغام می‌شد و با خدمات همگانی از قبیل مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، بیمارستان‌ها، اقامتگاه‌ها و مانند آن همراه بود. مجموعه‌های غازان‌خان و خواجه رشیدالدین در تبریز به‌کلی ویران شده‌اند.^۲ اما مجموعه‌هایی همچون ارسن نطنز (Blair, 1986) و بلر، (۱۳۸۷)، ارسن مذهبی پیر بکران در لنجان اصفهان (Wilber, 1955: no. 26; Pope,)، در (1964/ 3: 1077-1079; 1964/ 8: Pls. 386- 390)؛ ارسن تربت جام (صابرمدقم، ۱۳۸۳؛ Wilber, 1955, no. 81 and Golombek, 1971: 27- 44) و نیز ارسن بایزید بسطامی (Aliei, 2018) در نقاط مختلف ایران هنوز پابرجا هستند.^۳

(۱۶۳)، *سفرنامه ابن بطوطه* (قرن ۸/ق ۱۴م) (ابن بطوطه، ۱۴۱۷/ق ۱۹۹۷م/ج ۳: ۵۷)، و بسیاری از نوشته‌های بعد از عصر ایلخانی، از ناحیه‌ی بسطام یاد شده است.
^۲ برای آگاهی مبسوط از ارسن ربع رشیدی نک: شکاری نیری، جواد. (۱۳۸۳). *بررسی مجموعه علمی - مذهبی و تحقیقاتی ربع رشیدی*. رساله‌ی دکتری باستان‌شناسی. تهران: دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

همچنین برای بازسازی ارسن ربع رشیدی نک Sheila S. Blair. (۱۹۸۴). "Il-khanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the Rab'-e Rashidi," in *Iran. vol/۲۲*. pp. ۶۷-۹۰.

^۳ برای مباحث کلی در خصوص این ارسن‌ها نک: Golombek, Lisa. (۱۹۷۴). "The Cult of Saints and Shrine Architecture in the Fourteenth Century," In: *Near Eastern Numismatics, Iconography, Epigraphy and History: Studies in Honor of George C. Miles*. Ed. Dickran Kouymjian. Beirut: pp. ۴۱۹- ۳۰.

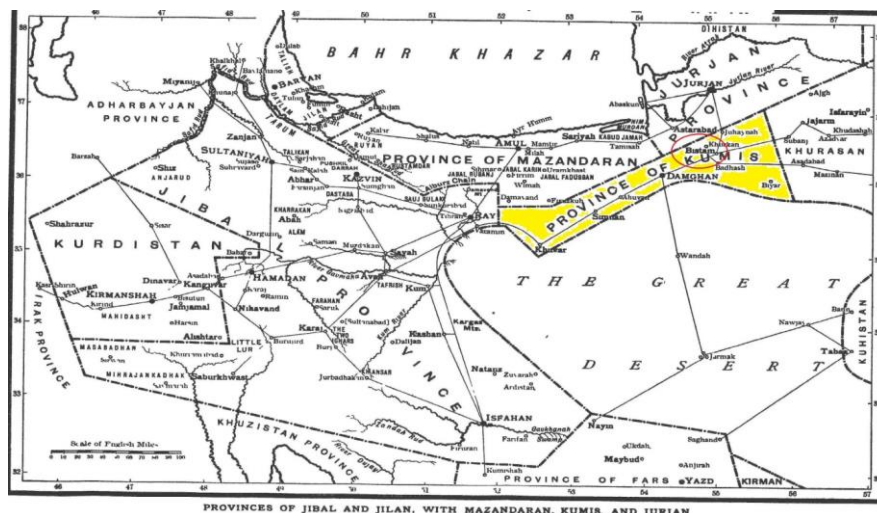
قوس سر این راه واقع بود (La Strange, 1930: 364) (تصویر ۱).

امروزه نام قوس برای منطقه استفاده نمی‌شود. پس از تغییرات فراوان در طول تاریخ، زمانی بخشی از آن در شرق جزء خراسان (الیعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۹۰ و ۹۱) و بخش دیگر آن در غرب - یعنی خوار (گرمسار) - جزء ناحیه‌ی ری (اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۲۴) محسوب می‌شده است. این ناحیه اکنون با نام استان سمنان با مرکزیت شهرستان سمنان شناخته می‌شود.

بسطام، نام شهری است در شرق ایالت قوس باستان و استان سمنان امروزی. این شهر در ۵۵ درجه و صفر دقیقه و صفر ثانیه‌ی طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۲۹ دقیقه و ۵ ثانیه‌ی عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۱۴۱۲ متری از سطح دریا واقع شده است (ادریسی، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

در متون تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی، به کزات از ناحیه‌ی بسطام نام برده شده و ویژگی‌های اقلیمی و محصولات کشاورزی آن توصیف شده است و آن را جزء سه شهر مهم ایالت قوس ذکر کرده‌اند.^۱

^۱ در کتاب *المسالک و الممالک*، تألیف ۳۱۸-۳۲۱ق، ظاهراً اول بار است که از بسطام یاد می‌شود (اصطخری، ۲۰۰۴: ۱۲۴). و پس از آن در نوشته‌های دیگری مربوط به قرن ۵/۴م همچون *صورةالارض* (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۸۰)، *سفرنامه ابودلف* (ابودلف، ۱۳۵۴: ۸۲)، *تنبيه و الاشراف* (مسعودی، ۱۳۴۹: ۴۹)، *آشکال العالم* (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۷ - ۱۴۹)، *حدود العالم من المشرق المغرب* (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۳۹۹)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* (مقدسی، ۱۹۰۶: ۵۱، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۱ و ۳۷۲)، ناصر خسرو (قرن ۵/۱۱م) در *سفرنامه خود* (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۳ و ۴)، *جهان‌نامه* (قرن ۶/ق ۱۲م) (بکران، ۱۳۴۲: ۵۸ و ۶۲)، *الاشارات* (قرن ۷/ق ۱۲ و ۱۳م) (هروی، ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م: ۸۳)، *معجم البلدان* (قرن ۷/ق ۱۳) (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م/۱: ۴۲۱ و ۴۲۲؛ ۱۹۹۵ق/۴: ۴۱۴ و ۴۱۵) و *المشترک* (یاقوت حموی، ۱۳۶۲ش: ۱۵۴)، *آثارالبلاد و اخبارالعباد* (قرن ۷/ق ۱۳م) (قزوینی، ۱۳۷۳ش: ۳۶۷ و ۳۶۸)، *تقویم البلدان* (قرن ۸/ق ۱۴م) (ابوالفداء، ۲۰۰۷: ۴۹۹)، *نزهةالقلوب* (قرن ۸/ق ۱۴م) (مستوفی، ۱۳۸۱: ۲۲۹)، *مسالک الابصار فی ممالک الامصار* (قرن ۸/ق ۱۴م) (ابن فضل الله عمری، ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۳م/ ۵: ۱۶۲ و



تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی بسطام و ایالت قومس / کومش (La Strange, 1930: to face p.185)

خانیکوف، جهانگرد روس نیز در سفر خود در سال ۱۸۵۸م / ۱۲۷۴ق به ناحیه بسطام، از بخش‌های مختلف مجموعه نام برده است (Khanicoff, 1861: 78-80).

طی سال‌های بعد نیز افرادی همچون هنری موزر (موزر، ۱۳۵۶ / ۲۵۳۶: ۲۲۹)، اعتمادالسلطنه در مرآةالبلدان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷) و مطلع‌الشمس (۱۳۵۵ / ۲۵۳۵)، جورج کرزن (کرزن، ۱۳۸۰)، بارتولد (بارتولد، ۱۳۸۶)، جکسن (Jackson, 1911) در عصر ناصری و اواخر قاجار از ارسن دیدن و آراء و نظراتی درباره‌ی آن ارائه کردند.

با آغاز قرن بیستم و گسترش ارتباطات و علوم مختلف، فعالیت‌های معمارانه، هنری و باستان‌شناسی نیز در خصوص ارسن بایزید بسطامی، به شکل منظم‌تری پیگیری شد. پژوهشگران مختلف ایرانی و غیرایرانی بررسی‌های خود را درخصوص این مجموعه آغاز کردند. افرادی همچون هرتسفلد (Herzfeld, 1926)، پوپ (Pope, 1964, 1965 & 1976)، ویلبر (Wilber, 1976)، گرابار و هیل (Hill & Grabar, 1964)، گلمبک (Golombek, 1974)، هیلن‌براند (Hillenbrand, 1974, 1982)، شایلا بلر (Blair, 1982)، تابوروف (Taboroff: 1981)، حقیقت (حقیقت: ۱۳۴۴) و مخلصی (۱۳۷۹)، زارعی (۱۳۷۱، ۱۳۷۹، ۱۳۹۰)

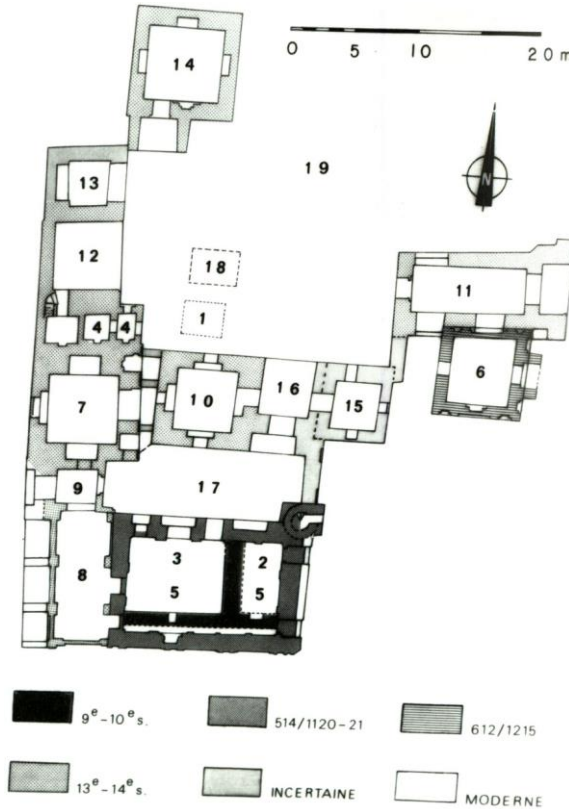
مجموعه‌ی بایزید بسطامی، به دلیل قرارگرفتن در مسیر آمد و شد شرق به غرب و همچنین شمال و جنوب فلات ایران (تصویر ۱) همواره موردتوجه حاکمان در زمان‌های مختلف بوده است. هسته‌ی مرکزی این ارسن در اطراف بقعه‌ی عارف نامی، بایزید بسطامی است (۱۶۱- ۲۳۴ق / ۷۷۷- ۸۴۹م) (سهلگی، ۱۳۸۴: ۳۷) و به دنبال آن در هر دوره، الحاقاتی به آن اضافه شده و یا مرمت‌هایی در آن انجام شده است. عمده بناها و مرمت‌های این ارسن مربوط به عصر ایلخانان و دو حاکم مهم آن است: سلطان محمود غازان خان (۶۹۴ - ۷۰۳ق / ۱۲۹۵- ۱۳۰۴) و سلطان محمد خدابنده اولجایتو (۷۰۳ - ۷۱۶ق / ۱۳۰۴- ۱۳۱۶م). حتی سلطان محمد اولجایتو به دلیل احترام و ارادتی که برای بایزید بسطامی قائل بود، نام فرزندانش را از روی نام و القاب بایزید انتخاب کرد: بسطام، بایزید و طیفور (کاشانی، ۱۳۸۴: ۷ و ۴۹).

طی دو سده‌ی اخیر برخی سیاحان ایرانی و خارجی از ارسن بایزید بازدید کرده و توضیحاتی درباره‌ی آن داده و برخی نقشه‌ها و طرح‌هایی نیز تهیه کرده‌اند. جیمز ب. فریزر که طی سال‌های ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲م / ۱۲۳۸ق به شمال شرق ایران (خراسان) سفر کرد، توصیفات از بخش‌های مختلف ارسن بایزید بسطامی به دست داد (Fraser, 1825: 336).

دهه‌ی پنجاه و شصت شمسی، توسط دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) و همچنین توسط دکتر شهریار عدل است (کسایبی و رهگذار: ۱۳۵۳؛ عدل، ۱۳۶۴، ۱۳۷۷، بی‌تا؛ Adle: 1984 & 1990 & 2015).

و (۱۳۹۳)، مرکز مشاوره مهندسی زندیگان (زندیگان، ۱۳۸۷)، میرآقایی (۱۳۹۳) و جز آن.

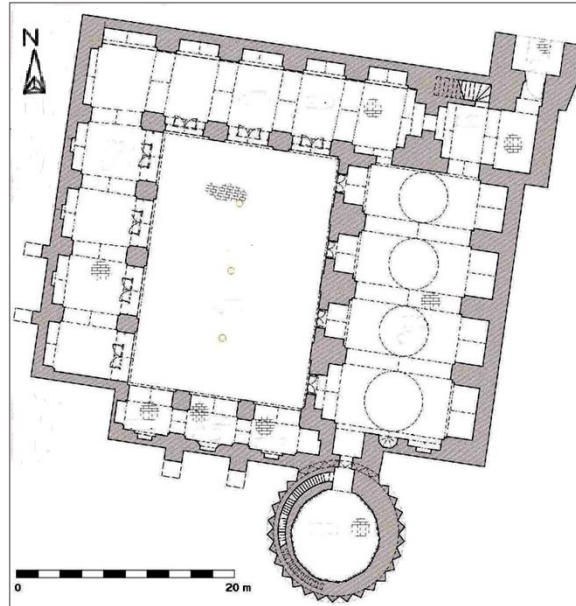
عمده فعالیت‌های مهمی که منجر به کشف آثاری در ارسن شد، مربوط به مرمت‌ها و کاوش‌های



تصویر ۲: نقشه‌ی کف ارسن / مجموعه‌ی بایزید، بخش شمالی (Adle, 2015: 243)

هشتی؛ ۱۰. مقبره‌ی امامزاده محمد دیباج (محمد بن جعفر) (قبلاً امامزاده قاسم نامیده می‌شد)؛ ۱۱. دالان یا ایوان اولجایتو؛ ۱۲. ایوان غازان یا ایوان غربی؛ ۱۳. قسمت‌های اداری؛ ۱۴. گنبد غازان (قبلاً منسوب به بسطام میرزا)؛ ۱۵. شربت‌خانه؛ ۱۶. ایوان جنوبی؛ ۱۷. رواق یا مسجد مردانه؛ ۱۸. مقبره‌ی امیراعظم‌خان افغانی؛ ۱۹. صحن یا حیاط ارسن.

۱. مزار بایزید؛ ۲. مسجد کوچک یا نمازخانه‌ی بایزید؛ ۳. کاهدانی که به نمازخانه‌ی کوچک اضافه شد؛ ۴. صومعه / زاویه؛ ۵. مسجد دوم بایزید (سلجوقی) به تاریخ ۵۱۴ ق که روی دو اتاق مسجد اولیه ساخته شد؛ ۶. مقبره‌ی علاءالدین محمد غوری (اتمام بقعه قبل از ۶۱۲ ق)؛ ۷. مقبره‌ی گمنام؛ ۸. مسجد ایلخانی / مسجد زنانه / شبستان زمستانی؛ ۹.



تصویر ۳: نقشه‌ی کف مسجدجامع و برج کاشانه (زندگانه، ۱۳۸۷/۱: ۳۲)

۳ بخش‌های مختلف ارسن

قسمت‌های مختلف ارسن بایزید بسطامی شامل دو بخش عمده‌ی شمالی و جنوبی است (تصاویر ۲ و ۳ و ۴). با بررسی بخش‌های مختلف مجموعه بایزید، بیش از بیست اثر در شمال و جنوب آن شناسایی شد. از این میان، تعدادی مربوط به پیش از عصر ایلخانی است^۱:

۱. مسجد بایزید (۶۹۹ ق)
 ۲. مسجد ایلخانی یا مسجد زنانه (شبستان زمستانی)
 ۳. ایوان غربی
 ۴. امامزاده محمد
 ۵. گنبد غازان
 ۶. صومعه (۷۰۲ ق)
 ۷. ایوان یا دالان اولجایتو (۷۱۳ ق)
 ۸. مسجدجامع (۷۰۶ ق)
 ۹. برج کاشانه (۷۰۰-۷۰۸ ق)
- تعدادی نیز در ادوار بعد از ایلخانان ساخته شده‌اند. برخی به شکل قطعی و برخی نیز با تردید به ادوار پس از ایلخانی منسوب شده‌اند که عبارتند از:

۱. مزار بایزید
۲. حمام قاجاری

۱. مسجد اول بایزید ۵۰-۵۲۰۰ ق،

۲. صومعه‌ی اولیه‌ی بایزید قرن ۲ ه. ق،

۳. مسجد دوم بایزید ۵۱۴-۵۶۹۹ ق،

۴. منار سلجوقی ۵۵۱۴ ق،

۵. آرامگاه گمنام (در انتساب آن به پیش از ایلخانی اختلاف نظر وجود دارد)،

۶. مسجدجامع (آل‌بویه)

نُه بخش در عصر ایلخانی، یا برای اولین بار ساخته شده یا آنکه در این دوران، به شکل اساسی مرمت و بازسازی شد. این بخش‌ها عبارتند از:

علینی، میثم، (۱۳۹۵)، پژوهشی در ادوار مختلف معماری مجموعه‌ی بایزید بسطامی: با تأکید بر دوران ایلخانی. رساله‌ی دکتری باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌ی علوم انسانی.

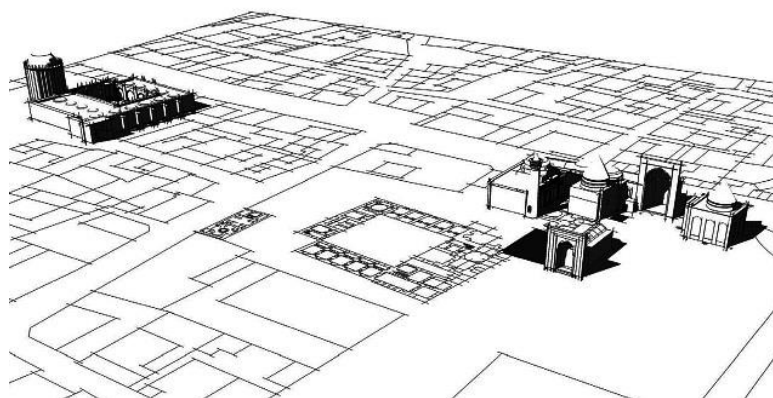
^۱ برای توضیحات و تحلیل‌های مبسوط در خصوص سایر بخش‌های پیش از ایلخانان و پس از آن، نک:

۵. شربت‌خانه

۳. صحن ارسن

۶. رواق

۴. مدرسه‌ی شاهرخیه (تیموری)



تصویر ۴: تصویر افقی و سه‌بعدی ارسن در عصر ایلخانان، جزئیات بیشتر (زندگیان، ۱۳۸۷/۱: ۴۲)

۴ ابنیه عصر ایلخانی در ارسن بسطام

۴/۱ مسجد بایزید

این مسجد درحقیقت، قلب ارسن/ مجموعهی بایزید محسوب می‌شود. از همین رو، در طول سده‌های متمادی مرمت‌های بی‌شماری در آن صورت گرفته است. در عصر ایلخانی مرمت‌ها و ساخت و سازهای متعددی در مسجد انجام شد. افرادی همچون فریزر (Fraser, 1825: 336)، خانیکوف روس (Khanicoff, 1861: 79)، اعتمادالسلطنه (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۵ / ۱۳۵۵ / ۱: ۷۱) از مسجد دیدن کرده و توضیحات و توصیفات از آن به‌دست داده‌اند.

در عصر ایلخانی، معمار و هنرمند بزرگ، محمدبن حسین ایبطالب دامغانی، کار مرمت و ساخت‌وساز در مجموعهی بایزید را، با یاری برادر و پدرش، سرپرستی کرد (نک: بخش‌های بعد). عناصر اصلی این بخش، کتیبه‌ها و تزییناتی است که با زیبایی و وزانت هرچه تمام، به‌دست محمدبن حسین دامغانی اجرا شده است. کتیبه‌ها به خط **ثلث ابداعی** هنرمند اجرا شده و عناصر تزیینی همچون گل‌ها، ختایی‌ها و عناصر هندسی فراوانی در آن به‌چشم می‌خورد. این کتیبه‌ها در اطراف محراب مسجد و همچنین دورتادور دیواره‌ی مسجد نقش‌بسته است. کتیبه‌ی ثلث ایلخانی، در اوایل دهه‌ی شصت خورشیدی به‌سرپرستی دکتر شهریار عدل، از زیر کتیبه‌ی نستعلیق قاجاری بیرون آورده شد (تصاویر ۵-۸).^۱



تصویر ۵: کتیبه‌ی قوس، آیت‌الکرسی بر تاق، تزیینات گسترده‌ی داخلی و نام سازنده‌ی محراب (نگارنده)

Aliei, Meissam. Study and Analysis of Ilkhanid Inscriptions in Bayazid Bastami Complex, A Case Study: Inscriptions of the Mihrab of Bayazid Bastami Mosque (Forthcoming).

^۱برای توضیحات مفصل در این زمینه نک: عدل، شهریار (۱۳۶۴)، «کتیبه‌ای نویافته در بسطام و برج آرامگاهی از میان‌رفته در ساری»، در: اثر. ش ۱۰ و ۱۱، بهمن ماه، صص ۱۷۵ - ۱۸۳. برای تفسیر و توضیح در خصوص کتیبه‌های مسجد بایزید نک:



تصویر ۶: ستونچه های دوطرف محراب: کتیبه و تزیینات (نگارنده)



تصویر ۷: تاریخ کتیبه‌ی مسجد مکشوفه در اوایل دهه‌ی شصت شمسی: «شهور تسع و تسعين و ست [ماهه] [۶۹۹]» (میراث سمنان)

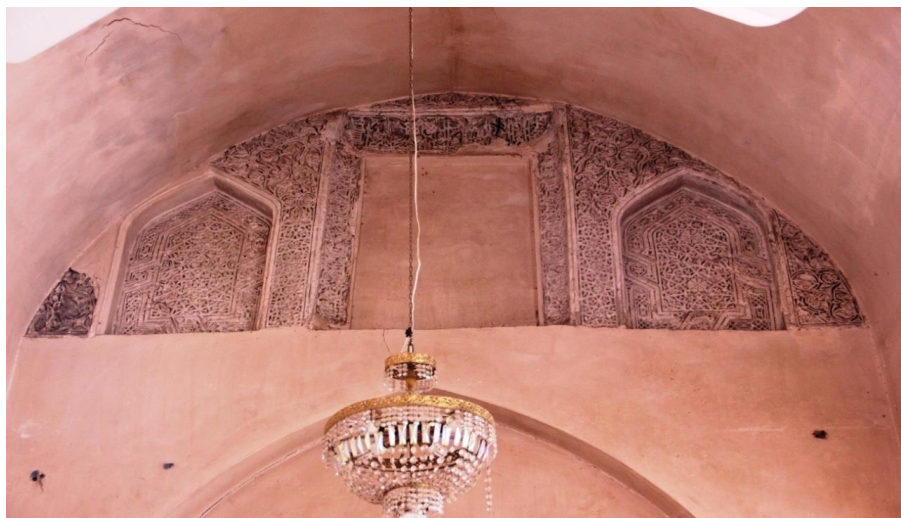


تصویر ۸: کتیبه‌ی ایلخانی پنهان شده در زیر کتیبه‌ی قاجاری (میراث فرهنگی سمنان)

گچ‌بری‌های این قسمت بر سطح دیوار جنوبی و سقف هلالی شکل آن انجام گرفته است. گچ‌بری‌های سقف به صورت دو نوار تزیینی با فواصل معین است که جهت آن شرقی - غربی است و عرض سقف را می‌پیماید. عرض این نوارهای تزیینی حدود سی سانتی‌متر است. گچ‌بری هلالی شکل اول که نزدیک به دیوار جنوبی است، در دو طرف انتهایی خود دو کتیبه‌ی کوچک دارد. در قاب غربی عبارتی که نوشته شده است شبیه «لا...الکبیر» یا «ال... الکبیر» است و در قاب کوچک منتهی‌الیه شرقی گچ‌بری عبارت «الا الله» خوانده می‌شود که احتمالاً این دو عبارت روی هم جمله‌ای در ستایش «الله» است. تاکنون به این کتیبه‌های کوچک در هیچ اثری اشاره نشده و تا پیش از این خوانده نشده بودند (تصاویر ۹ و ۱۰).

۴،۲ مسجد ایلخانی / زنانه / شبستان زمستانی

این مسجد واقع در غرب مسجد بایزید، به شکل یک دالان طولیل با سقف هلالی است (تصویر ۲ ش ۸). آرتور پوپ نام شبستان زمستانی را برای این بخش به کار برده است (Pope, 1964/ 3: 1083). گچ‌بری‌های سقف این بخش از ارسن مشابه گچ‌بری‌های محراب و کتیبه‌ی مسجد بایزید است. با توجه به همین ویژگی، می‌توان تزیینات هر دو بخش را کار محمد بن الحسین بن ابی طالب دامغانی دانست و چه بسا برادرش حاجی بن حسین نیز با او همکاری کرده باشد، چراکه در کتیبه‌ی ضلع شمالی اتاق اول صومعه‌ی بایزید نام او نیز دیده می‌شود و تزیینات هر دو بنا هم‌زمان صورت گرفته است.



تصویر ۹: تزیینات و تاق‌نماهای مجاور محراب مسجد ایلخانی، ضلع جنوبی (نگارنده)



تصویر ۱۰: کتیبه‌ی کوچک ضلع شرقی و غربی (نگارنده)

مکان اشاره کرده و گفته است در همان زمانی که بایزید به مسجد رفت و آمد داشت، صومعه‌ای را که به نام اوست ساخت و گاه‌گاه در آن سکونت می‌کرد تا زمانی که دیگر بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذراند (سهلگی، ۱۳۸۴).

اعتمادالسلطنه در عصر ناصری، توصیف کاملی از این قسمت به دست داده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۱/۶۹).

اتاق‌ها ابعاد کوچکی دارند و به‌ویژه اتاق‌های اول و دوم، مملو از کتیبه‌های کوفی و ثلث^۱ و نقوش هندسی و گیاهی زیبا است که از حیث سبک همانند

۴،۳ صومعه‌ی بایزید

پیشینه‌ی صومعه یا چله‌خانه‌های ارسن بایزید که از سه اتاقک کوچک مربع‌شکل در امتداد یکدیگر و در جنوب ایوان غربی تشکیل شده‌اند، به پیش از عصر سلجوقی بازمی‌گردد و به احتمال قوی، به‌هنگام ساخت مسجد اول بنا شده‌اند (تصاویر ۲ ش ۴).

شهریار عدل نیز که در نخستین سال‌های پس از انقلاب در مجموعه کاوش کرده، عقیده دارد صومعه مربوط به زمان حیات بایزید است و در دوره‌ی ایلخانان بازسازی و تزیین شده است (عدل، بی‌تا: ۳). در تأیید این سخن سهلگی در کتاب النور به این

^۱زارعی کتیبه‌های غیرکوفی چله‌خانه‌ها را ثلث و تاباروف نسخ می‌داند اما کتیبه‌ها به ثلث نزدیک‌تر و شبیه‌ترند (زارعی، ۱۳۷۱: ۳۱۴؛ ۸۰: ۱۹۸۱، Taboroff).

المؤمنات». تاریخ ساخت یا تجدید بنای این بخش، بر گرداگرد ورودی اتاق دوم نقش بسته است:

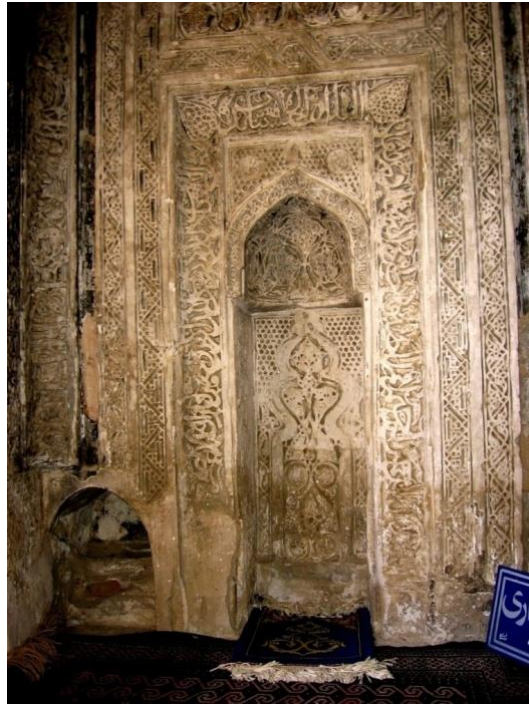
«امر بعمار هذہ الصومعہ الشریفہ المبارکہ الامیرالکبیر تقبل اللہ منہما ہذہ العمارۃ فی «سنۃ» [این قسمت پاک شده است] اثنی و سبعمائہ».

در اتاق دوم نیز نقوش و کتیبه‌های مختلفی به خط کوفی و ثلث دیده می‌شود که مشابه نمونه‌های اتاق اول است. اتاق سوم، محرابی با نقوش مشابه اتاق‌های پیشین دارد (تصاویر ۱۱-۱۵).^۱

گچ‌بری‌های محراب مسجد بایزید و مسجد زنانه و همچنین مسجد جامع است چراکه همه‌ی این‌ها محصول دست هنرمند محمدبن حسین دامغانی‌اند، با این تفاوت که در این بنا برادرش حاجی‌بن حسین دامغانی نیز او را همراهی کرده است.

کتیبه‌ای به خط ثلث در بالای پنجره‌ی شمالی در اتاق اول و در کادری تاق‌مانند و در میان یک نیم‌ترنج به چشم می‌خورد که دور آن را طرح‌های گیاهی مشبک فراگرفته و حاوی نام سازندگان بنا است:

«عمل محمدبن الحسین البناء الدامغانی و اخوه حاجی غفرالله له ولوالدیه ولجميع المؤمنین و



تصویر ۱۱: محراب اتاق اول صومعه در ضلع جنوبی (نگارنده)

^۱زارعی، تاباروف و اعتمادالسلطنه ظاهراً هیچکدام اتاق سوم را ندیده‌اند و در مورد آن مطلبی ننوخته‌اند (نک: زارعی، ۱۳۷۱؛ اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۵/۱۳۵۵؛ ۱/۱۹۸۱، Taboroff).



تصویر ۱۲: کتیبه‌ی نام بانیان بنا، واقع در بالای نورگیر ضلع شمالی اتاق اول (نگارنده)



تصویر ۱۳: به ترتیب از بالا شروع و پایان کتیبه‌ی اطراف ورودی اتاق اول به دوم (سال ساخت بنا) (نگارنده)



تصویر ۱۴: کتیبه‌ی نیم‌دایره‌ی بالای کادر مستطیل شکل در محراب اتاق دوم (نگارنده)

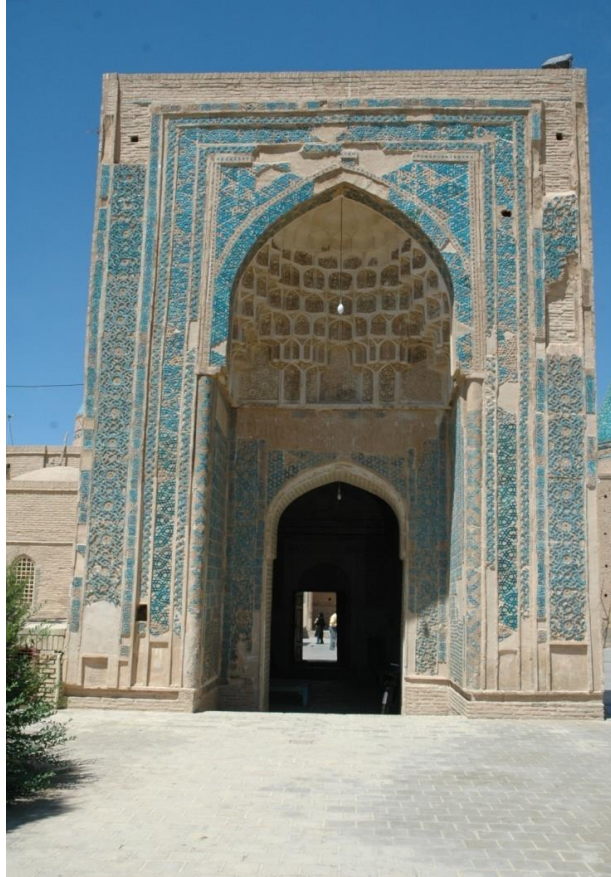


تصویر ۱۵: محراب اتاق سوم صومعه (نگارنده)

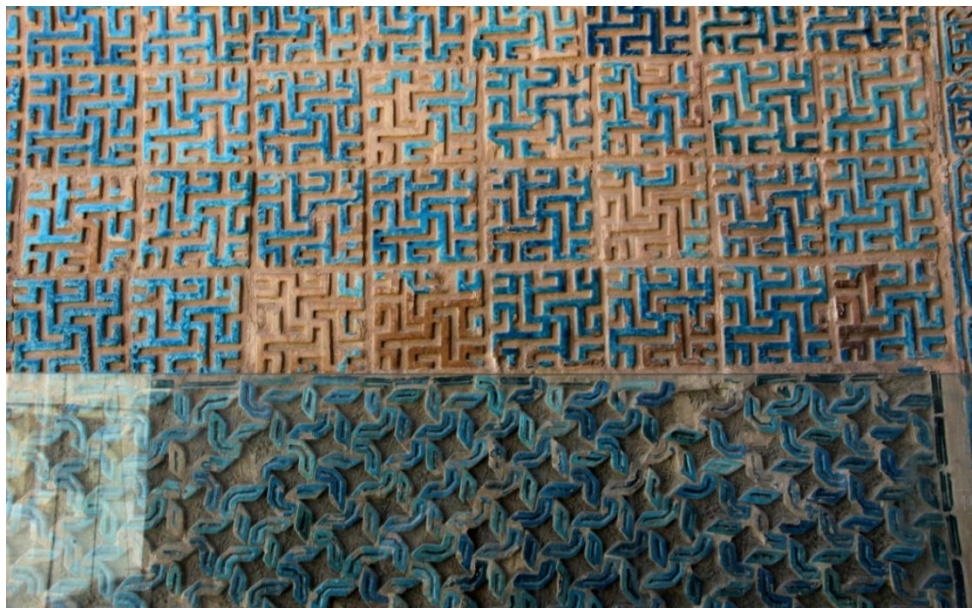
داخل ایوان در دیواره‌ی سمت چپ و راست به ابعاد ۲ در ۱ متر، نام علی (ع) چهار بار (چهار علی) به رنگ آبی تکرار شده است. زیر این قسمت مجدداً طرح‌های هندسی تا پایین ازاره تکرار شده‌اند که گلبرگی‌شکل و بسیار منحصربه‌فرد است. مشابه این «علی چهارتایی» بر دیواره‌ی مسجد اشترجان نیز دیده می‌شود (تصاویر ۱۶-۱۸).

۴,۴ ایوان و دالان ورودی (ایوان / دالان اولجایتو)

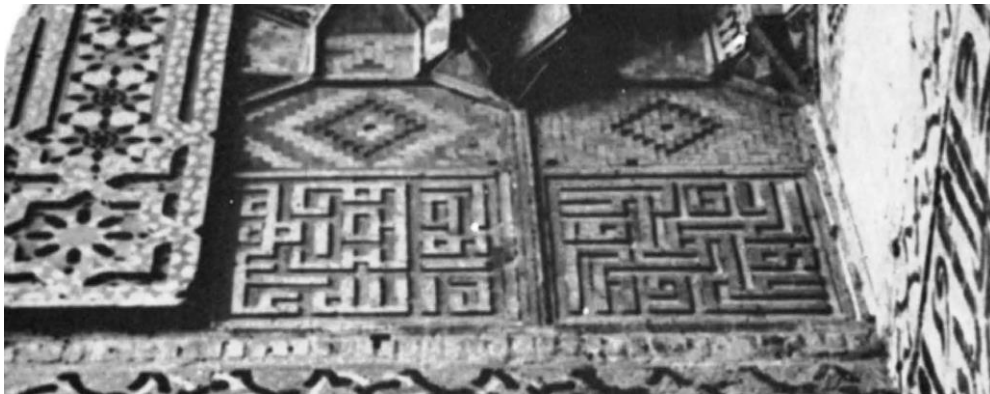
این بنا، موسوم به دالان ورودی یا الجایتو، در ضلع شرقی ارسن بایزید قرار دارد. اجزای بنا متشکل از یک ایوان و دالان نسبتاً طویل است. ایوان بنا قبل از دالان و به‌منزله‌ی سردر ورودی مجموعه است. ظاهراً ورود به ارسن از طریق این ایوان و دالان بوده و فضای خارج و داخل را به هم مرتبط می‌کرده است.



تصویر ۱۶: نمای عمومی ایوان و دالان اولجایتو (میراث فرهنگی سمنان، شاهرود)



تصویر ۱۷: کاشی کاری دیوارهای داخلی ایوان اولجایتو (نگارنده)



تصویر ۱۸: نقش چهار علی بر دیواره‌ی ایوان شمال شرقی مسجد اشترجان (Miles, 1974: Ia).

شخصی بزرگ، محترم و مورد توجه سلطان بوده است. به علاوه، این کتیبه نشان می‌دهد که اولجایتو ارادت خاصی به بایزید داشته که شخصاً فرمان ساخت و ساز بنا را داده است، چه در بنای محراب مسجد جامع اصفهان نام او تنها به عنوان حاکم و نه به عنوان حامی ذکر شده است (Taboroff, 1981).

49

معمار این بنا نیز محمد بن حسین دامغانی است که هنر او در دیگر بناهای ارسن مانند مسجد جامع و برج کاشانه و صومعه مشهود است. نام او در این کتیبه به عنوان «جصاص» به معنای گچ‌کار آمده است و ظاهراً وی بیشتر ظریف‌کاری‌های گچی مجموعه را انجام داده است. پوپ درباره‌ی این معمار دامغانی آورده است:

«چنین به نظر می‌رسد که محمد سرمعمار ساختمان تمام ارسن بقعه بوده است و احتمالاً به مدت یک نسل به کار طراحی و ساختمان سازی اشتغال داشته است. از قرار معلوم، محمد بن فضل‌الله بایزیدی که که متولی اجرا بوده است، اعتماد کاملی به وی داشته است. سردری را که اکنون در مجموعه به کار می‌آید و احتمالاً در اصلی ورودی رسمی تشریفاتی به کل مجموعه بوده است به وی واگذار کرده است» (pope, 1964/ 3: 1058).

کتیبه‌ی این بنا که دالان را دور می‌زند، از ضلع جنوب شرقی شروع شده و به ضلع شمال شرقی ختم می‌گردد. این کتیبه در میان نواری نسبتاً باریک از طرح‌های گیاهی تکرار شونده قرار گرفته است.

این نوشته به خط ثلث است:

«باسمه اعلى اتفقت عمارة هذا الايوان فى دولة
السلطان الاعظم شاهنشاه المعظم سلطان
السلطين العرب و العجم سلطان ارض الله
ناصر الدين الله حافظ بلاد الله عماد الدنيا و الدين
غياث الاسلام و المسلمين اعدل الملوك و السلاطين
اسكندر ثانى خسرو ايران و توران سلطان اولجایتو
محمد خدابنده خان خلدالله ملكه مادامت
السموات و الارضين هذه العماره بسعى شيخ الاعظم
هادى اصناف الامم الخصوص من انام الله بالفضل
والكرم مقبول المجهور سلالة آل طيفور شرف الملة
والدين ناصح الملوك و السلاطين محمد بن فضل
الله بن بایزیدی ادام الله برکاته عمل محمد بن
الحسين جصاص الدامغانى غفرالله له و لواديه و
لجميع المؤمنين و المؤمنات فى سنة ثلث و عشر و
سبعمائه» (تصاویر ۱۹-۲۱).

طبق این کتیبه، اولجایتو این بنا را به سفارش و همت محمد بن فضل‌الله بایزیدی، از اخلاف بایزید، ساخته است و آن‌گونه که از القاب وی برمی‌آید،



تصویر ۱۹: قسمت انتهایی کتیبه‌ی دالان به همراه کتیبه‌ی نام هنرمند «محمدبن حسن دامغانی». سمت راست خروجی دالان (نگارنده)



تصویر ۲۰: بخش ابتدایی کتیبه‌ی دالان اولجایتو به همراه کتیبه‌ی سال ساخت بنا: ثلث عشر و سبعمائه (۷۱۳). سمت چپ خروجی دالان (نگارنده)



تصویر ۲۱: عبارت «سلطان اولجایتو محمد خدابنده» بر دیواره‌ی داخلی ایوان اولجایتو (نگارنده)



شمالی - جنوبی که از پشت این ضلع می‌گذرد قرار دارد. ارتفاع این ایوان در حدود ۱۳/۵ متر است (در رهگذر کویر، ۱۳۵۳: ۷۶). اعتمادالسلطنه که در زمان قاجار از بنا بازدید کرده است، ارتفاع آن را ده و عرض دهانه را شش ذرع ذکر کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵: ۷۲). گفته می‌شود این بنا به دلیل مجاورت با گنبد غازان‌خان به ایوان‌خان معروف است (مخلصی، ۱۳۵۹: ۲۳۲). بخشی از تزیینات ایوان‌خان/ غربی، مشابه طرح‌های ایوان‌های شرقی و غربی مسجد جامع فرومد و ارسن ایلخانی نطنز است. این ایوان، برخلاف ایوان اولجایتو، فاقد کتیبه است. اما وجود شباهت فراوان میان این ایوان و ایوان‌های ایلخانی مساجد اشترجان و ورامین، نسبت آن را به عصر ایلخانی، قطعی می‌نماید. به اعتقاد برخی محققان، باتوجه‌به مشابهت برخی نقش‌مایه‌ها و فرم معماری این ایوان با ایوان اولجایتو، آنها را همزمان می‌دانند (Taboroff, 1981: 88) (تساویر ۲۲-۲۶).

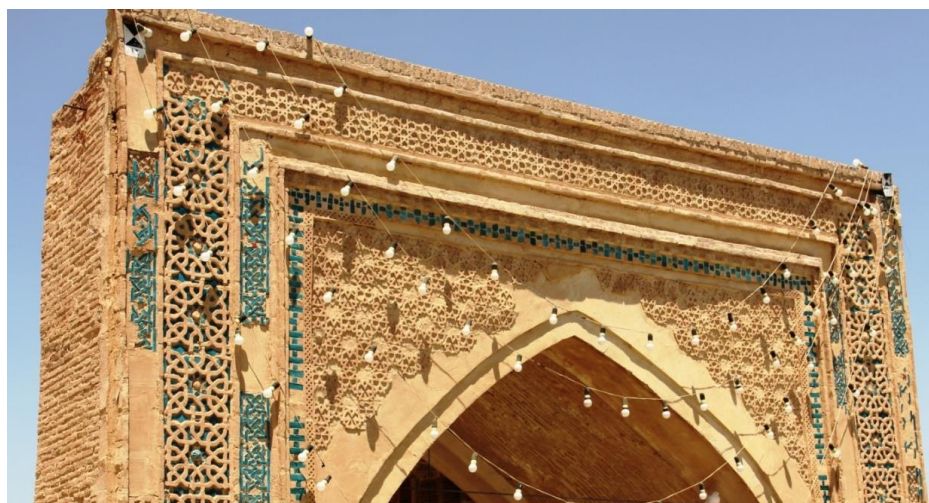
به‌طورکلی، این ایوان و دالان آن یک ورودی مجلل و پرکار است که تزیینات متنوعی دارد و با وسواس بسیار ساخته شده است. این ایوان از ایوان‌غربی کوچکتر است (نک: بخش بعد)، با آن تقارن ندارد، بیشتر به سمت ورودی امامزاده محمد متمایل است و احتمالاً به منزله‌ی راهی برای دسترسی به امامزاده و مسجد بایزید بوده است. سردر این ایوان با یک قاب مربع‌مستطیل بزرگ، تزیینات مفصل و قوس بلند و چشمگیر نوعی پیش‌تاق محسوب می‌شود. یکی از اولین نمونه‌های پرکار پیش‌تاق، ورودی مقبره‌ی امرای سامانی (قبل از ۳۳۲ ه.ق) در بخارا و همچنین نمونه‌ی ساده‌ی آن ورودی گنبد قابوس (۳۹۷ ه.ق) است.

۴،۵ ایوان غربی (ایوان‌غازان‌خان)

این ایوان در غرب ارسن بایزید و در میان گنبد غازان‌خان در شمال و صومعه در جنوب واقع است. این بنا روبه‌سوی شرق دارد و سمت غربی آن، خیابان



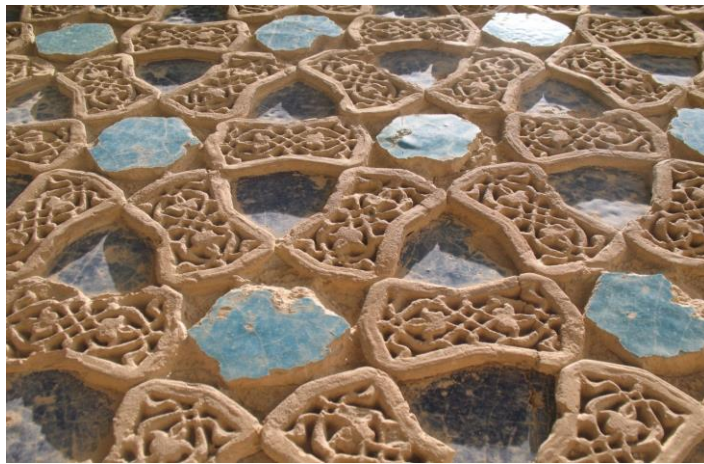
تصویر ۲۲: نمای عمومی ایوان غربی / غازان (میراث سمنان، شاهرود)



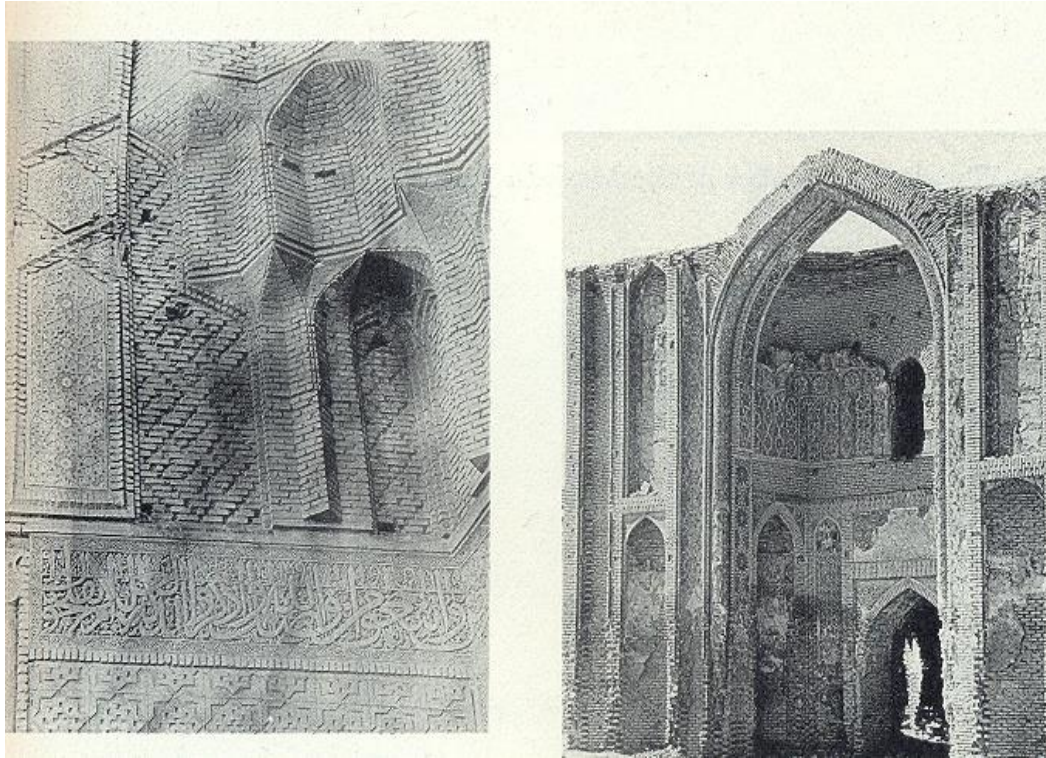
تصویر ۲۳: تزیینات بالای تاق ایوان غربی، پشت‌بغلی‌ها (نگارنده)



تصویر ۲۴: کاشی کاری های ایوان مسجد جامع فریومد، سمنان (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۱۰)



تصویر ۲۵: کاشی کاری ارسن شیخ عبدالصمد اصفهانی، نطنز، اصفهان (نگارنده)



تصویر ۲۶: ایوان مسجد جامع ورامین (Wilber, 1955: 254)

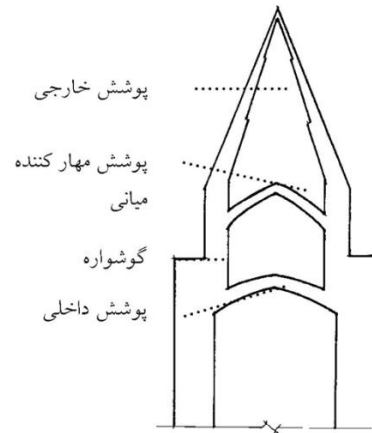
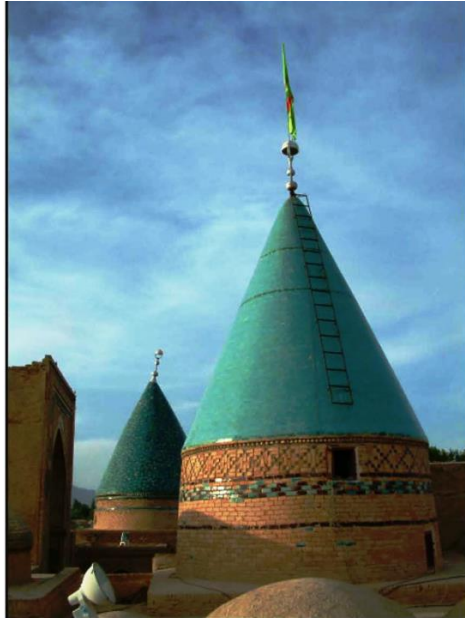
است. پوسته‌ی میانی این گنبد سه‌پوسته را می‌توان از دریچه‌ای که روی گنبد بیرونی قرار دارد دید. نمای خارجی گنبد نیز همانند گنبد غازان‌خان با آجرهای فیروزه‌ای‌رنگ پوشیده شده است. با استناد به کتیبه‌ها، تزیینات داخلی بنا عموماً به عصر صفوی بازمی‌گردد.

برخی محققین، بنای امامزاده را متعلق به سال ۷۰۰ هجری یا اندکی پس از آن دانسته‌اند (Ade, 2015: 243). تعدادی آجر طرح‌دار بدون لعاب، موجود در موزه‌ی شاهرود، ظاهراً از بنای امامزاده به‌دست آمده است و به‌نظر می‌رسد که متعلق به دوره‌ی ایلخانی باشد (تصاویر ۲۷ و ۲۸).

۴٫۶ مقبره‌ی امامزاده محمد

این بنا در ضلع شمالی مسجد بایزید، روبه‌روی گنبد غازان قرار دارد (تصویر ۲، ش ۱۲). فریزر در سفرنامه‌ی خود این امامزاده را قاسم و فرزند امام جعفر صادق (ع) معرفی کرده (Fraser, 1825: 337) و عدل، وی را محمدسعید دیباجی فرزند امام جعفر صادق (ع) می‌نامد (Ade, 2015: 243). باوجود این اختلاف‌نظرها، بهتر است مانند اعتمادالسلطنه وی را نه فرزند مستقیم امام صادق، بلکه از نوادگان ایشان بدانیم. فریدریش زاره در تقسیم‌بندی خود از مجموعه آورده است: «مقبره‌ی امامزاده محمد بسطام میرزا» (sarre, 1901-1910: 116, 117).

بنای امامزاده چهارضلعی و گنبد رک آن شبیه به گنبد غازان‌خان است با این تفاوت که گریوش بلندتر



تصویر ۲۷: پلان و تصویر گنبد امامزاده محمد درجلو و گنبد غازان در عقب، دید از جنوب (زندیکان، ۱۳۸۷/ ۱: ۵۳)



تصویر ۲۸: آجرهای تزیینی امامزاده محمد، محفوظ در موزه‌ی شاهرود (نگارنده)

که کتیبه و شناسنامه ندارد چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. هرچند نمی‌توان این نظر را رد کرد اما احتمال دفن‌نشدن غازان‌خان در این مکان بیشتر است (زارعی، ۱۳۷۱: ۱۸۸).

بنا شامل یک سازه‌ی مربع‌شکل است و گنبدی مخروطی بر فراز آن قرار دارد. ورودی بنا با پیش‌تاقی ساده با مقرنس‌های گچی تزیین شده است. گنبد بنا دقیقاً مشابه گنبد امامزاده محمد و سه‌پوسته‌ی مخروطی است.

۴,۷ گنبد غازان‌خان

بنایی منفرد در گوشه‌ی شمال‌غربی ارسن و در واقع شمالی‌ترین بنای ارسن (تصویر ۲، ش ۱۴). این بنا فاقد هرگونه کتیبه‌ی منسوب به غازان‌خان یا اولجایتو یا فرد دیگری است. بنابراین، اظهارنظر قطعی راجع به زمان ساخت آن دشوار است. به‌علاوه، دفن غازان‌خان در شهری همچون بسطام، باوجود شهرهایی مهم‌تر و پرآوازه‌تر همچون تبریز و مراغه که مقر حکومتی بوده‌اند، آن هم در مقبره‌ای

ایلخانی می‌داند (Taboroff, 1981: 91). شاید این استدلال در مورد تاریخ بنا قابل قبول به نظر نرسد، اما با توجه به مشابهت نسبی سبک بناهای ارسن و شباهت سبک دو گنبد امامزاده محمد و گنبد این بنا، می‌توان تاریخی بین دهه‌ی پایانی قرن هفتم و دهه‌ی آغازین قرن هشتم برای آن پیشنهاد کرد (تصاویر ۲۹-۳۳).

این بنا، شامل ایوان ورودی و سرداب، برج‌مقبره‌ای است به سبک اکثر برج‌مقبره‌های دوره‌ی ایلخانی. تزیینات آن اندک و بیشتر از آجر استفاده شده است. محراب بنا بسیار ساده و بدون پیرایه است. تباروف، باتوجه‌به آنچه فریزر درباره‌ی زمان ساخت بنا گفته و آن را هم‌دوره با مسجد (۵۶۹۹ق.) دانسته است و باتوجه‌به فرم مربع و گنبد دوپوش بنا، آن را مربوط به اواخر سلجوقی و اوایل



تصویر ۲۹: گنبد غازان در شمال ارسن کنار ایوان غربی (نگارنده)



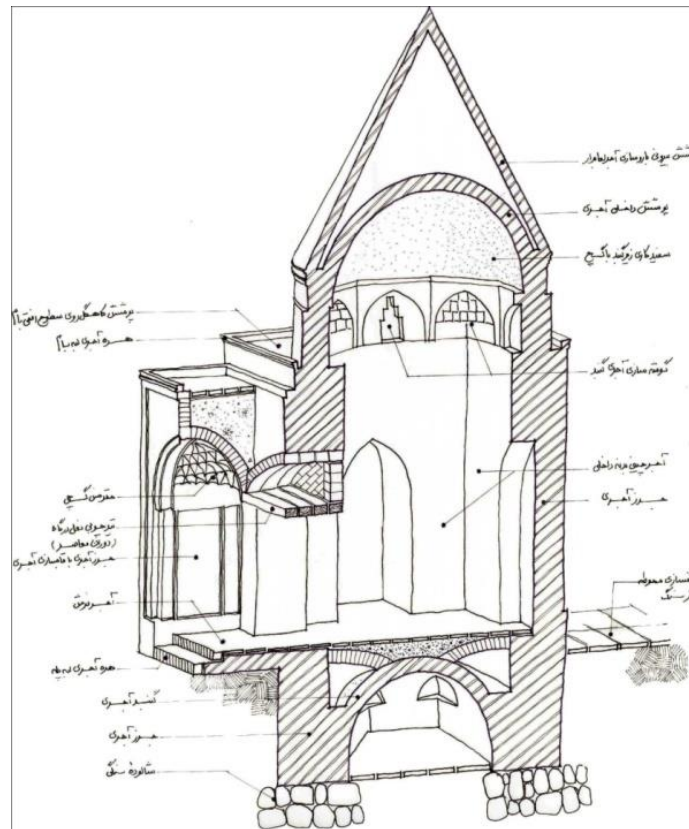
تصویر ۳۰: بنای گنبد غازان در دوره‌ی قاجار (میراث فرهنگی سمنان، شاهرود)



تصویر ۳۱: سقف گنبدی و سه کنج‌های مقرنس آجری، انتقال از چهارضلعی به دایره (نگارنده)



تصویر ۳۲: نمایی از ورودی و داخل سرداب گنبد غازان‌خان (نگارنده)



تصویر ۳۳: نمایش سه بعدی عناصر سازه‌ای و تزئینی گنبد غازان خان و نحوه‌ی ارتباط آنها (زندگیان، ۱۳۸۷ / ۱: ۶۰)

متصل است و برای ورود به برج باید از مسجد عبور کرد!

کتیبه‌ای کوفی بر فراز بنا دور تا دور قسمت بیرونی برج را فرا گرفته است. همچنین در بخش پیش‌تاق/ ورودی برج که در داخل مسجد قرار گرفته، کتیبه‌های ثلث و کوفی و همچنین نقوش فراوانی به چشم می‌خورد. بر این کتیبه‌ها، نام «سلطان محمد خدابنده» و نیز هنرمندان مجموعه: «محمد بن حسین بن ابی طالب مهندس بنا دامغانی» و پدرش:

۴٫۸ برج کاشانه

این بنا در جنوبی‌ترین نقطه‌ی ارسن بایزید بسطامی، حدوداً صدمتری آن، در جنوب شرق مسجد جامع بسطام و متصل به آن قرار دارد (تصویر ۳). ساختمان عظیم آن برج مقبره‌ای بلند و گنبددار است که نمای خارجی آن با ۲۵ ترک آجری تزئین شده است. ورودی این بنا، واقع در شمال، با دالان کوچکی به ابعاد ۳×۲×۲ به شبستان مسجد جامع

^۱ برای آگاهی بیشتر از ویژگی‌های برج کاشانه نک:

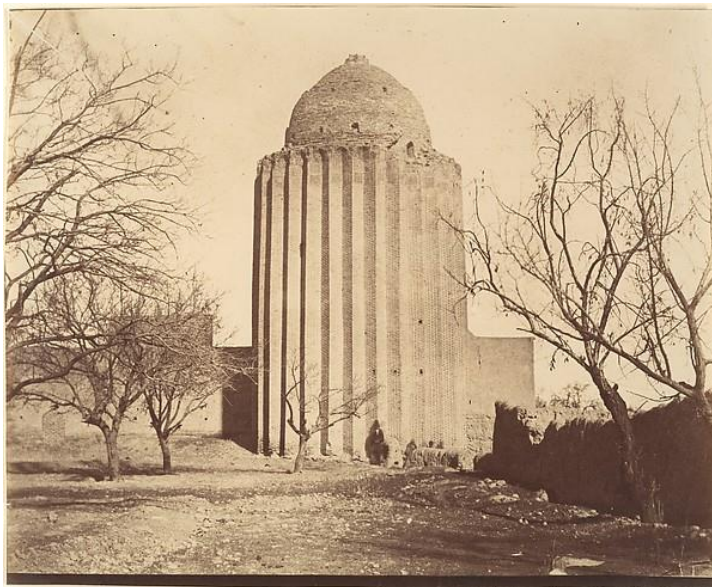
Hillenbrand, Robert. (۱۹۷۴). The Tomb Towers of Iran to ۱۵۵۰. Doctoral thesis. Vol II of IV vols. Oxford

Hillenbrand, Robert. (۱۹۸۲). The flanged tomb tower at Bastam", in Art et société dans le monde iranien" ed. C.Adle. Paris: INSTITUE FRANCAIS D'IRANOLOGIE DE TÉHÉRAN BIBLIOTHÈQUE IRANIENNE N° ۲۶. P.p ۲۳۷-۶۰.

Blair, Sheila (۱۹۸۲). The INSCRIPTION FROM THE TOMB TOWER AT BASTĀM: AN ANALYSIS OF ILKHANID EPIGRAPHY. in Art et société dans le monde iranien, ed. C.Adle. Paris: INSTITUE FRANCAIS D'IRANOLOGIE DE TÉHÉRAN BIBLIOTHÈQUE IRANIENNE N° ۲۶ Pp. ۲۶۳- ۲۸۲.

مسجد ایلخانی / زنانه و حاکی از هنرمندان واحد آنان است (تصاویر ۳۴-۳۸).

«حسین بن ابی طالب مهندس دامغانی» و «محمد بن احمد سمنانی» در کنار تاریخ‌های «۷۰۰ و ۷۰۸ق» است. تزیینات ورودی برج، یادآور تزیینات



تصویر ۳۴: دورنمای برج کاشانه و گنبد آن در عصر قاجار. دید از جنوب

Luigi Pesce M. de Blocqueville e, c 1860th- Metropolitan museum of art, retrieval 2015



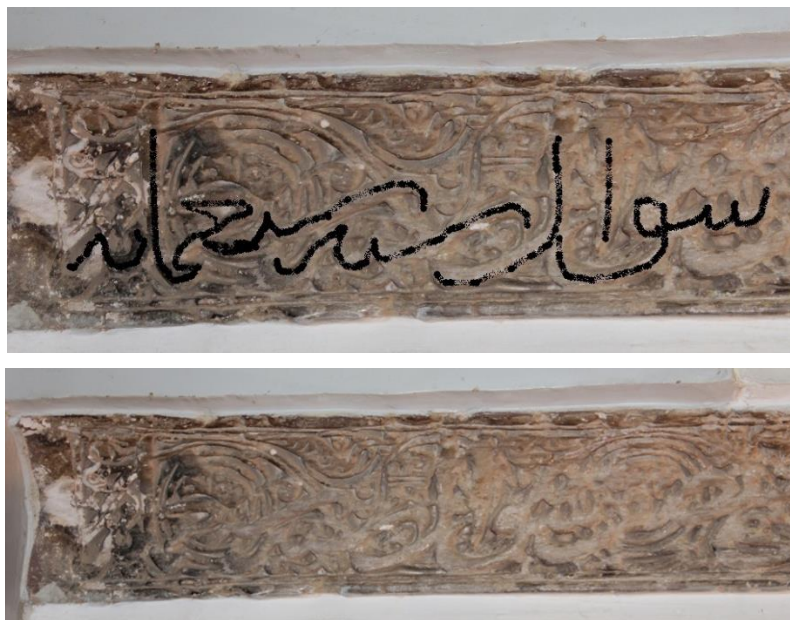
تصویر ۳۵: تزیینات آجرکاری زیر گیلویی و کتیبه‌های کوفی بالای برج (نگارنده)



تصویر ۳۶: تزیینات زیر قوس پیش‌تاق برج کاشانه (نگارنده)



تصویر ۳۷: کتیبه‌ی کمربندی پیش‌تاق برج کاشانه با عبارت «عمل محمد بن الحسین بن ابی طالب المهندس البنا الدامغانی» (نگارنده)



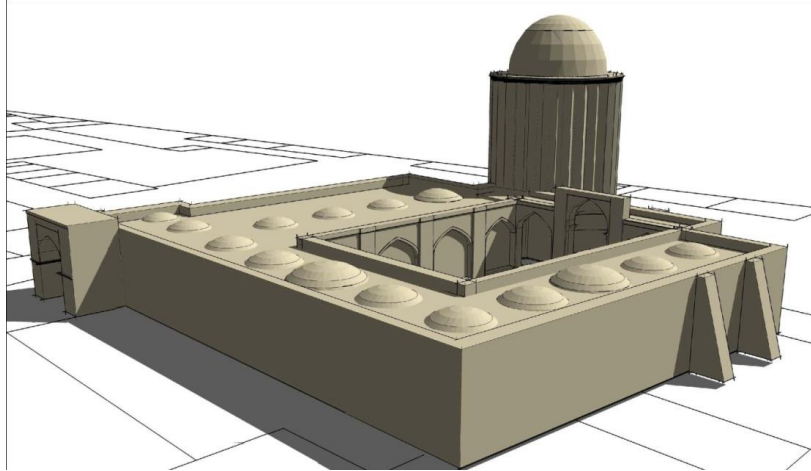
تصویر ۳۸: انتهای کتیبه‌ی پیرامونی پیش‌تاق ورودی در ضلع شرقی با تاریخ ۷۰۰ هـ. ق (نگارنده)

بنای فعلی بنایی یک‌ایوانی است. ابعاد صحن مسجد حدود ۱۷×۲۰ متر است که سه شبستان در جبهه‌های شرقی، غربی و شمالی، و یک دهنه‌ی قبلی در ضلع جنوبی دارد. شبستان‌ها امروزه دارای درهایی است که به صحن گشوده می‌شود. ایوان مسجد در جنوب آن قرار گرفته است. شبستان‌های شرقی و شمالی طی دهه‌ی پنجاه شمسی و سال‌های پس از انقلاب اسلامی، مرمت شده و شبستان غربی و سقف فعلی صحن مسجد، در همین تاریخ‌ها به مسجد الحاق شده است.

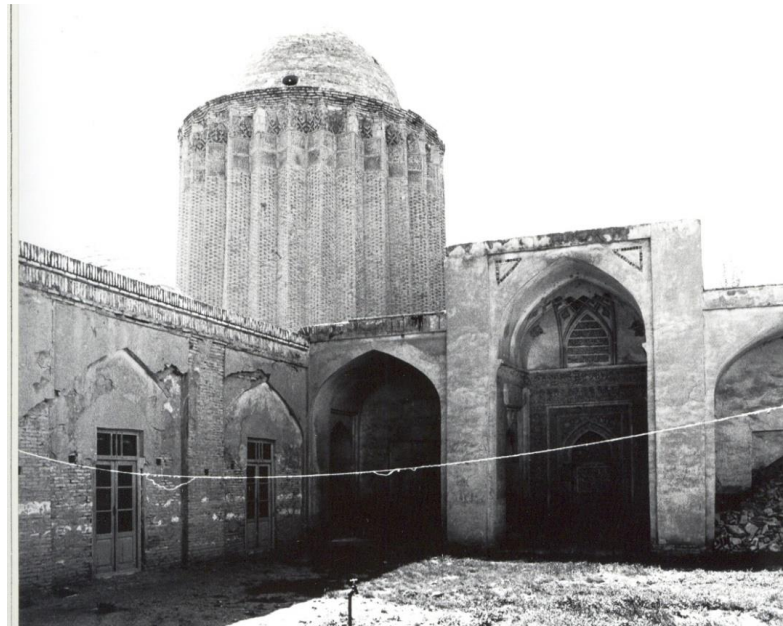
بر دیوار قبلی مسجد، تزیینات و کتیبه‌های پرکار فراوانی به‌چشم می‌خورد که کاملاً با نمونه‌های شمالی مجموعه در مسجد بسطام قابل‌مقایسه است. بر دیواره‌ی شرقی ایوان قبلی، کتیبه‌ی به تاریخ ۷۰۶ به‌چشم می‌خورد (تصاویر ۳۹-۴۴).

۴،۹ مسجدجامع

مسجدجامع بسطام در حدود هشتادمتری جنوب ارسن بسطام واقع است. واضح است که بخش جنوبی و شمالی ارسن در گذشته‌های دور با هم ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند که امروزه به‌دلیل ساخت‌وسازهای متعدد، این ارتباط تا حدودی گسسته شده است (امروزه بالغ بر صد متر از یکدیگر فاصله دارند). طبق کتیبه‌های مسجد و برج کاشانه، مسجد ایلخانی میان سال‌های حدود ۷۰۰ (اواخر حکومت محمود غازان) و ۷۰۶ ق (اوایل حکومت اولجایتو محمد خدابنده) ساخته شده است. مسجدجامع و برج کاشانه هم‌اکنون به یکدیگر متصل‌اند و درحقیقت هویتی یکپارچه یافته‌اند.



تصویر ۳۹: طرح سه بعدی مسجد جامع و برج کاشانه‌ی بسطام در بخش جنوبی ارسن (زندگیان، ۱۳۸۷ / ۱: ۳۲)



تصویر ۴۰: برج کاشانه در گوشه‌ی جنوب شرقی مسجد، دید از شمال (کسایی و رهگذار، ۱۳۵۳: ۷۰۰-۷۰۶)



تصویر ۴۱: محراب مسجد جامع و تزیینات آن پیش از مرمت (کسای و رهگذار، ۱۳۵۳: ۷۰۰-۷۰۶)



تصویر ۴۲: کتیبه های ورودی شرقی و تاریخ آن: «سنه سته و سبعمائه» (نگارنده)



تصویر ۴۳: کتیبه‌ی دور قوس محراب (نگارنده)



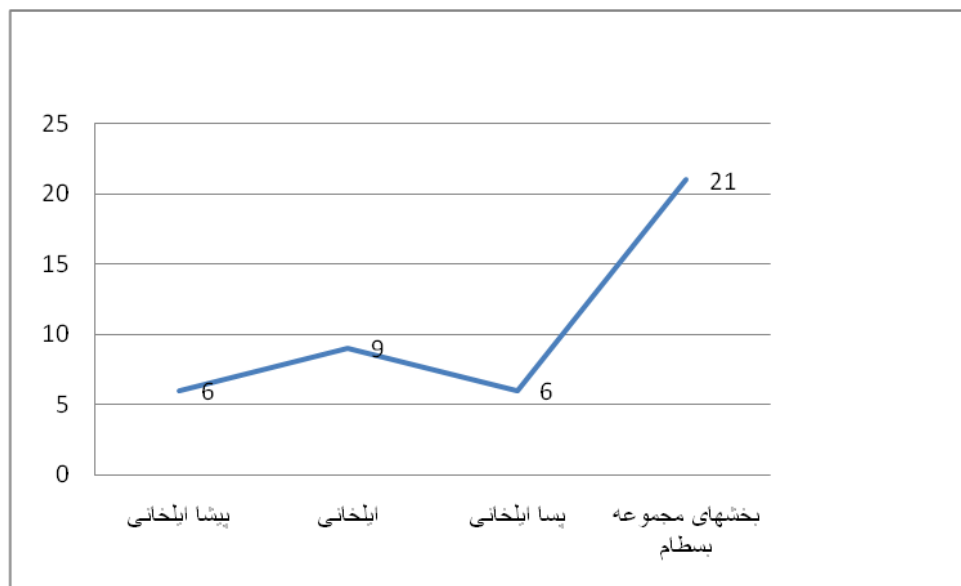
تصویر ۴۴: ستونچه‌های طرفین محراب (نگارنده)



۵ تحلیل و بررسی

در میان مغولان تازه‌مسلمان، روشی بود که شور و شوق آنان را برمی‌انگیخت. این گرایش و اشتیاق به گسترش مجموعه مزارها انجامید. این «بقعه‌های کوچک» یا «شهرهای کوچک خدا»^۱ در کنار مزارهای مذهبی بزرگ مانند مرقد امام رضا و حضرت فاطمه‌ی معصومه گسترش یافتند.^۲

در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری، ساخت‌وسازهای متعدد و گسترده‌ای در قلمرو ایلخانان صورت گرفت که محوریت آنها بر مزار یکی از بزرگان تصوف و عرفان بود. گرایش به صوفی‌گری



تصویر ۴۵: (نمودار خطی)، در اینجا تعداد کل بخش‌های ارسن دیده می‌شود. مشخص است که در عصر ایلخانان، میزان ساخت‌وسازها نسبت به قبل و پس از آن بیشتر است (نگارنده).

ابنیه‌ای دستور داده باشد. مثلاً در محراب اولجایتو آمده است که این محراب در زمان «سلطان حامی حوزه اسلام و ایمان» یعنی محمد خدابنده - بدون نام‌بردن از اسم سلطان - و به سال ۷۱۰ق، یعنی زمانی که اولجایتو به مذهب تشیع درآمد بود، و با کمک و صدقات محمد ساوی و توسط عضد^۳ بن علی ماستری ساخته شده است (گدار، ۱۳۸۷/۴: ۶۱). همچنین، در ارسن شیخ عبدالصمد نطنز نیز نام افرادی همچون زین‌الدین خلیفه‌بن حسین علی

عمده ساخت‌وسازهای انجام‌شده در ارسن بایزید بسطامی در طول بیش از هزارسال، در زمان حکومت ایلخانان مغول در ایران، یعنی دوران سلطان محمود غازان و سلطان اولجایتو محمد خدابنده بوده است (تصویر ۴۵)؛ به‌ویژه محمد خدابنده که نام او بر قسمت‌های مختلف ارسن، چه در شمال و چه در جنوب، به‌چشم می‌خورد. نام افرادی همچون اولجایتو کمتر بر ابنیه به شکل مکرر آمده است یا اینکه مستقیماً به ساخت و بنای

ایران / A Survey of Persian Art» استفاده شده است (Pope, ۱۹۶۴/ ۳: ۱۰۸۱).
^۳ شیلا بلر این کلمه را «عدود» خوانده است: عدود بن علی ماستری (بلر، ۱۳۸۷: ۳۴).

^۱ Little cities of God

^۲ خانم بلر، اصطلاح «شهرهای کوچک خدا» را برگرفته از مقاله‌ی ۱۹۷۴ خانم لیزا گلمبک می‌داند. اما درحقیقت، این اصطلاح قبل از خانم گلمبک، توسط آرتور اپهام پوپ در کتاب «سیری در هنر



هنرمندان چیره‌دست و ماهر در آنها است. وجود نام «حیدر»، خوشنویس شهیر عصر ایلخانان^۱ و شاگرد یاقوت مستعصمی، خطاط معروف، بر کتیبه‌های نطنز (تصویر ۴۶) و همچنین محراب اولجایتو در مسجدجامع اصفهان، نشان می‌دهد که این هنرمندان در مکان‌های مختلفی هنر خود را عرضه کرده‌اند. همین وضعیت در خصوص برادر محمدبن حسین، یعنی حاجی‌بن حسین دامغانی وجود دارد. نام وی بر یکی از مساجد دامغان به چشم می‌خورد.^۲

ظرافت و ریزه‌کاری‌های کتیبه‌ها و تزیینات محراب مسجد بایزید و همچنین محراب مسجدجامع، از نمونه‌هایی مانند پیربکران بیشتر است. در پیربکران، سرکش‌های حروفی مانند «ک» کشیده‌تر است و در عین حال، عرض کتیبه‌ها نیز در پیربکران بیشتر است. ضمن آنکه گل‌ها و ختایی‌های پیربکران عمیق‌تر است و در آنها از رنگ‌های آبی و قرمز استفاده شده است. نوشته‌ها در برخی جایها به رنگ قرمز و زمینه‌ی آن آبی است (Zarei et al, 2012: 105 & 106). بسیاری از دیوارهای گچی چندرنگ بر دیوارهای گنبدخانه‌ی پیربکران به چشم می‌خورد (طیاب، ۱۳۵۴).

ماستری دیده می‌شود (بلر، ۱۳۸۷: ۱۳۲) یا نام اولجایتو در گنبد سلطانیه. اما در ارسن بایزید، در قسمت دالان اولجایتو و نیز برج کاشانه، کتیبه‌های آنها به صراحت گواهی می‌دهند که این قسمت‌ها به سفارش و دستور سلطان محمد خدابنده و تحت نظارت افرادی مانند محمدبن فضل‌الله بن بایزیدی که «ناصر سلاطین» نیز بوده، ساخته شده است. همین وضعیت نشان می‌دهد که کسانی مانند محمود غازان و اولجایتو محمد خدابنده در ساخت‌وساز و رونق مجموعه بسطام، نقشی مستقیم داشته‌اند.

معمار و مهندس اصلی مجموعه/ ارسن بایزید در عصر ایلخانان، محمدبن حسین ابیطالب دامغانی است. نام او بر کتیبه‌های صومعه، دالان اولجایتو، مسجد بایزید، مسجدجامع و برج کاشانه به چشم می‌خورد. حضور برادر او، حاجی‌بن حسین و پدرش، حسین‌بن ابیطالب در ساخت‌وساز ارسن بسطام، نشان می‌دهد که این خانواده به شکل مستمر طی سال‌ها در مجموعه مشغول به کار بوده‌اند. مجموعه/ ارسن بسطام و ارسن‌های مشابهی مانند پیربکران و مزار شیخ عبدالصمد نطنز، همگی دارای تزیینات و کتیبه‌های فراوانی هستند که نمایانگر حضور

زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۷۹)، معماران دامغانی در مجموعه‌ی بسطام «دوره ایلخانی»، در: مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ج ۳، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صص ۴۵۹-۴۷۵.

^۱ معروف به «گنده‌نویس»، زیرا خط را به شکل جلی می‌نوشت. از شاگردان وی: عبدالله صیرفی، خواجه تاج‌الدین علیشاه وزیر اولجایتو و ابوسعید، و نیز خواجه غیاث‌الدین محمدبن رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر سلطان ابوسعید را می‌توان نام برد (فضائلی، ۱۳۹۰: ۳۱۷ و ۳۱۸).

^۲ برای توضیحات بیشتر درخصوص معماران دامغانی در مجموعه‌ی بسطام نک:



تصویر ۴۶: مجموعه ی نطنز: انتهای کتیبه ی گچ بری در زیرتاق ایوان شمالی. نام حیدر: کناره ی کتیبه (بهر، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

اولجایتو، در زمان ایلخانی محمد خدابنده ی اولجایتو ساخته شده است.

نقوش و کتیبه های این مجموعه، با نمونه های هم عصر خود، همچون پیر بکران و بقعه ی شیخ عبدالصمد نطنز، قابل مقایسه است. باوجود آنکه نام محمدبن حسین ابیطالب دامغانی، معمار و مهندس اصلی ارسن، در جای دیگری دیده نشده است، اما نفاست و زیبایی کارهای وی، از استادی و چیرگی کارهای او نشان دارد. چه آنکه به دلیل قدر و منزلت و احترام بایزید نزد حاکمان مغول، منطقیاً کسانی باید به کار گرفته می شدند که استادی و مهارت خود را به اثبات رسانده باشند. قدر و منزلت و جایگاه بایزید بسطامی نزد اولجایتو، به اندازه ای بود که خود شخصاً فرمان مرمت و ساخت و ساز در ارسن را صادر کرد و همچنین نام فرزندان خود را از نام و القاب بایزید برگرفت.

۶ نتیجه گیری

مجموعه ی بسطام از زمان فوت بایزید بسطامی در قرن سوم هجری مورد توجه قرار گرفت و زائران بسیاری برای زیارت مقبره ی وی راهی می شدند. درعین حال، ارادت و احترامی که برخی بزرگان دینی و سیاسی و حکومتی برای او قائل بودند، موجب شد تا هرکدام، با توجه به قدرت و ارادت خود، ساخت و سازهایی در آنجا انجام دهند و به تدریج، مزار بایزید و اطراف آن به شکل یک مجموعه / ارسن درآمد. عمده ساخت و سازهای ارسن بسطام در عصر ایلخانی و دو ایلخان معروف، غازان محمود و اولجایتو محمد خدابنده انجام شد. قدیمی ترین بخش ایلخانی ارسن، مربوط به مسجد بایزید به تاریخ ۶۹۹ ق و در زمان ایلخانی محمود غازان است و متأخرترین بخش ایلخانی آن، به تاریخ ۷۱۳ ق، در دالان

منابع

منابع فارسی و عربی

خمس مجلد، طبعه الاولی، ریاض: اکادیمیه المملکه المغربیه.

ابن بطوطه، محمدبن عبدالله، (۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م)،
رحلة ابن بطوطه، تحفة النظار في غرائب
الأمصا و عجائب الأسفار، مجلد ثالث من

میرهاشم محدث، جلد اول از چهار جلد، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، (۱۳۸۶)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه‌ی حمزه سردادور، چاپ سوم، تهران: توس.

بکران، محمدبن نجیب، (۱۳۴۲)، جهان‌نامه، به‌کوشش محمدامین ریاحی، تهران: کتابخانه‌ی ابن‌سینا.

بلر، شیلا، (۱۳۸۷)، معماری ایلخانی در نطنز: مجموعه مزار شیخ عبدالصمد، ترجمه‌ی ولی‌الله کاووسی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.

جیهانی، ابوالقاسم‌بن احمد (۱۳۶۸)، اشکال‌العالم، ترجمه‌ی علی‌بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، چاپ اول، مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

حدودالعالم من المشرق الی المغرب، (۱۳۷۲)، مؤلف ناشناخته، با مقدمه‌ی بارتولد و تعلیقات مینورسکی، ترجمه‌ی میرحسین شاه، تصحیح و حواشی از مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، چاپ اول، تهران: دانشگاه الزهراء.

حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۴۴)، تاریخ قومس، به انضمام تاریخ مشرق ایران از دوران ماقبل تاریخ تا عصر حاضر، چاپ اول، چاپخانه اطلاعات.

حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۷۹)، شناسنامه‌ی آثار تاریخی کومش، استان سمنان، چاپ اول، تهران: کومش.

حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر، (۱۳۸۱)، نزهةالقلوب، تصحیح محمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.

ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمدبن حوقل النصیبی، (۱۹۳۸)، صورةالارض، مجلد ثانی از دو جلد، بیروت: دارالصادر.

ابن فضل‌الله العمری، احمدبن یحیی، (۱۴۲۳ق/۲۰۰۳م)، مسالك الابصار فی ممالک الامصار، مجلد ۵، تحقیق: بسام محمد بارود و مجلد ۲۷: تحقیق حمزه احمد عباس از ۱۴ جلد [موجود]، چاپ اول، ابوظبی: المجمع الثقافی.

ابوالفداء، اسماعیل بن علی، (۲۰۰۷)، تقویم البلدان، یک جلد، چاپ اول، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.

ابودلف خزرچی، مسعر بن مهلهل، (۱۳۵۴)، سفرنامه ابودلف در ایران (در سال ۳۴۱ هجری)، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه‌ی سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.

ادریسی، مهری، (۱۳۹۰)، شهرهای ایران‌شهر، پژوهش گروهی بنیاد ایران‌شناسی، مدیر طرح: محمدرضا نصیری، طرح، مقدمه و بررسی نهایی: حسن حبیبی، چاپ اول. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم‌بن محمدالفارسی، (۲۰۰۴). مسالك الممالک، تحقیق محمد جابر عبدالعال حینی، قاهره: الهيئة العامة لقصور الثقافة.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله (۱۳۵۵/۲۵۳۵)، مطلع‌الشمس، جلد اول از سه جلد، ویراستاری محمد مقدم و مصطفی انصاری، زیر نظر مجید رهنما، بی‌جا: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌بن علی، (۱۳۶۷)، مرآةالبلدان، تصحیح عبدالحسین نوایی و



طراحی مهندسان مشاور مطالعه و مرمت
زندگیان، سازمان میراث فرهنگی،
صنایع‌دستی و گردشگری استان سمنان،
سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و
گردشگری استان تهران.

سهلگی، محمدبن علی، (۱۳۸۴)، دفتر روشنایی،
ترجمه‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی،
تهران: سخن.

شکاری نیری، جواد، (۱۳۸۳)، بررسی مجموعه‌ی
علمی - مذهبی و تحقیقاتی ربع رشیدی،
رساله‌ی دکتری باستان‌شناسی، تهران:
دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه تربیت
مدرس.

صابر‌مقدم، فرامرز، (۱۳۸۳)، مزار شیخ احمد جام:
تجلی‌گاه عرفان، هنر و معماری، عکاس:
حمید هاشمی‌پور، خوشنویسی:
عبدالرحیم تاج‌محمدی، مشهد: سنبله.

طیب، منوچهر، (۱۳۵۴)، مستند «معماری ایران:
دوران ایلخانی»، پخش از: سیمای
جمهوری اسلامی ایران، شبکه‌ی آموزش
به تاریخ ۱۳۹۴.

عدل، شهریار، (۱۳۶۴)، کتیبه‌ای نویافته در بسطام
و برج آرامگاهی ازمیان‌رفته حسام‌الدوله
در ساری، در: اثر، شماره‌ی ۱۰ و ۱۱، بهمن
ماه، صص ۱۷۵-۱۸۳.

عدل، شهریار، (۱۳۷۷)، نگاهی به برداشتها و
دیدهای شمارگانی (دیژیتالی) و
فتوگرامتری‌شده زوزن و بسطام، اثر، ش
۲۹ و ۳۰، صص ۹۰-۱۰۸.

عدل، شهریار، (بی‌تا)، گزارش مجموعه‌ی تاریخی
بسطام، تهران: مرکز اسناد سازمان میراث
فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی
ایران.

در رهگذر کویر، (۱۳۵۳)، نقاشی‌های مناطق کویری
از هوشنگ سیحون، تهران: دفتر
مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران

زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۷۱)، «مجموعه‌بناهای
مذهبی بسطام»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی
ارشد باستان‌شناسی، تهران، دانشکده‌ی
ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۷۹)، معماران دامغانی در
مجموعه‌ی بسطام «دوره ایلخانی»، در:
مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ
معماری و شهرسازی ایران، به‌کوشش
باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، جلد سوم،
تهران: سازمان میراث فرهنگی، صص
۴۵۹-۴۷۵.

زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۹۰)، فریومد و مسجدجامع
آن، مجله‌ی مطالعات باستان‌شناسی
(مجله‌ی سابق دانشکده‌ی ادبیات و علوم
انسانی دانشگاه تهران)، دوره‌ی سوم،
پاییز و زمستان، شماره‌ی ۲، صص ۹۳-۱۲۸.

زارعی، محمدابراهیم و سید هادی میرآقایی، (۱۳۹۳)،
مدرسه‌سازی در دوره‌ی تیموری (نمونه‌ی
موردی: مدرسه‌ی شاه‌رخیه بسطام)، در
مجموعه‌ی بسطام‌پژوهی، به‌کوشش
هادی میرآقایی، چاپ اول، سمنان:
حبله‌رود.

زندگیان، مهندسان مشاور مطالعه و مرمت، (خرداد
۱۳۸۷)، گزارش مطالعات شناخت
مجموعه‌ی تاریخی بایزید بسطامی
(گزارش اول)، گروه تحقیق مهندسان
مشاور مطالعه و مرمت زندگیان، سازمان
میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری
استان سمنان، سازمان میراث فرهنگی،
صنایع‌دستی و گردشگری، تهران.

زندگیان، مهندسان مشاور مطالعه و مرمت، (بهمن
۱۳۷۸)، طرح مرمت مجموعه‌ی تاریخی
بایزید بسطامی (گزارش دوم)، گروه

مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمد، (۱۹۰۶م)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، چاپ دوم، بیروت: دار صادر.

موزر، هنری، (۱۳۵۶ / ۲۵۳۶)، *سفرنامه‌ی ترکستان و ایران*، ترجمه‌ی میرزا علیخان مترجم (به خط محمد قزوینی)، به کوشش محمد گلبن، چاپ اول، تهران: سحر.

میراث فرهنگی سمنان، آرشیو تصاویر و مدارک (۱۳۹۴).

میرآقایی، هادی، (۱۳۹۳)، *بسطام‌پژوهی: چهارده جستار درباره‌ی معماری، فرهنگ و تاریخ بسطام*، چاپ اول، سمنان: حبله‌رود.

ناصرخسرو، قبادیانی مروزی، (۱۳۸۱ش)، *سفرنامه‌ی ناصرخسرو*، به کوشش: محمد دبیرسیاقی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات زوار.

هروی، ابوالحسن علی‌بن ابوبکر، (۱۴۲۳ق / ۲۰۰۲م)، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، محقق: دکتر علی عمر، یک جلد، چاپ اول، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.

یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله، (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، مجلد اول، چاپ دوم، بیروت: دار صادر.

یاقوت حموی، (۱۳۶۲)، *برگزیده‌ی مشترک، «المشترک وضعاً و المفترق صقلاً»*، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، تهران: امیرکبیر.

یعقوبی، احمدبن اسحاق، (۱۴۲۲ق)، *البلدان*، محقق و مصحح: محمد امین ضناوی، طبعه الاولی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

فضائی، حبیب‌الله، (۱۳۹۰)، *اطلس خط: تحقیق در خطوط اسلامی*، چاپ اول، تهران: سروش.

قزوینی، زکریابن محمدبن محمود، (۱۳۷۳ش)، *آثارالبلاد و اخبارالعباد*، ترجمه‌ی جهانگیر میرزا، تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، با مقدمه‌ی عبدالکریم گلشنی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

کاشانی (قاشانی)، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، (۱۳۸۴)، *تاریخ اولجایتو*، تصحیح مهین همبلی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه‌ی ایران*، ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، جلد اول از دو جلد، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.

کسای، رضا و کامران رهگذار، (۱۳۵۳)، *پروژه‌ی مرمت: مجموعه‌ی بسطام*، تهران: دانشکده‌ی معماری دانشگاه ملی ایران [شهید بهشتی]، انستیتو مرمت آثار باستانی.

گدار، آندره و دیگران (۱۳۸۷)، *آثار ایران*، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقد مقدم، جلد چهارم، چاپ پنجم، مشهد: دفتر پژوهش‌های اسلامی.

مخلصی، محمدعلی، (۱۳۵۹)، *شهر بسطام و مجموعه‌ی تاریخی آن*، اثر، تابستان و پاییز، شماره‌ی ۲، ص ۲۰۹-۲۴۵.

مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین، (۱۳۴۹)، *التنبيه و الاشراف*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

منابع لاتین



- Adle, Chahryar. (1984). "Recherches archéologiques en Iran sur le Kumes médiéval, rapport préliminaire pour 1982-1983". In: Comptes Rendus des Séances de l'Académie des Inscriptions & Belles-Lettres. 128°. N2. année 1984, Avril-Juin, 271-299 (Paris, 1984).
- Adle, Chahryar. (1990). BESTĀM. In Encyclopaedia Iranica. edited by Ehsan Yarshater- Vol IV-first Print-London&NewYork-Routledge&Kegan Paul.
- Adle, Chahryar. (2015). "Trois mosquées du début de l'ère islamique au Grand Khorassan : Bastam, Noh-Gonbadan/Haji-Piyadah de Balkh et Zuzan d'après des investigations Archéologiques". In: Studies in the History and Culture of the Middle East. Eds. Stefan Heidemann, Gottfried Hagen, Andreas Kaplony and Rudi Matthee. Volume 29: Greater Khorasan: History, Geography, Archaeology and Material Culture. Edited by Rocco Rante. Pp.89- 114 & 242-256.
- Aliei, Meissam. (Forthcoming). Study and Analysis of Ilkhanid Inscriptions in Bayazid Bastami Complex, A Case Study: Inscriptions of the Mihrab of Bayazid Bastami Mosque.
- Blair, Sheila (1982). The INSCRIPTION FROM THE TOMB TOWER AT BASTĀM: AN ANALYSIS OF ILKHANID EPIGRAPHY. in Art et société dans le monde iranien, ed. C.Adle. Paris: INSTITUE FRANCAIS D'IRANOLOGIE DE TÉHÉRAN BIBLIOTHÈQUE IRANIENNE N° 26 Pp. 263- 282.
- Blair, Sheila S. (1984). "Il-khanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the Rab'-e Rashidi," in Iran. vol 22. pp. 67-90.
- Blair, Sheila. (1986). The Il-khanid Shrine Complex at Natanz, Iran. Harvard Middle East Papers, Classical Series 1, Cambridge, Mass.
- De Khanicoff, Nicolas. (1861). *Memoire sur la partie meridionale de l'Asie central*. Paris: Imprimerie De L. Martine, Rue Mignon, 2.
- Fraser, B. James. (1825). NARRATIVE OF A JOURNEY INTO KHORASĀN IN THE YEARS OF 1821 AND 1822. London: A&R Spottiswoode.
- Golombek, Lisa. (1971). "The CHORONOLOGY OF TURBAT-I SHAIKH JĀM," In: IRAN. No. 12. pp. 27- 44.
- Golombek, Lisa. (1974). "The Cult of Saints and Shrine Architecture in the Fourteenth Century," In: Near Eastern Numismatics, Iconography, Epigraphy and History: Studies in Honor of George C. Miles. Ed. Dickran Kouymjian. Beirut: pp. 419- 30.
- Herzfeld, E. E. (1926). Zeitchrift der Deutschen morgenland Gesellschaft. V.3.
- Hill, Derek, Oleg Grabar. (1964). Islamic Architecture and its Decoration: A.D 800-1500. London.
- Hillenbrand, Robert. (1974). The Tomb Towers of Iran to 1550. Doctoral thesis. Vol II of IV vols. Oxford
- Hillenbrand, Robert. (1982). The flanged tomb tower at Bastam", in Art et société dans le monde iranien" ed. C.Adle. Paris: INSTITUE



FRANCAIS D'IRANOLOGIE DE
TÉHÉRAN BIBLIOTHÈQUE
IRANIENNE N° 26. P.p 237-60.

- Hillenbrand, Robert. (1999). *Islamic Art and Architecture*. London: Thames and Hudson Ltd.
- Hillenbrand, Robert. (2002). *Islamic Architecture: Form, function and meaning*. 2nd print. Edinburgh: Edinburg University Press.
- Jackson, A. V. Williams. (1911). *From Constantinople to the Home of Omar Khayyam, travels in Transcaucasia and Northern Persia, for historic and literary research*. [New York: Macmillan](#)
- La Strange, G. (1930). *THE LANDS OF THE ESTERN CALIPHATE (Mesopotamian, Persia, and Central Asia from the Moslem conquest to the time of Timur)*. NEW YORK: BARNES& NOBLE, INC. Publishers.
- Miles. George. (1974). *The inscription of The Masjid- I Jami at Ashtarjan. in Iran*. No.12.pp 89-110.
- Pope, Arthur Upham, (1964). "*The Architecture of The Islamic Period (The Fourteenth Century)*". In: *A Survey Of Persian Art (From Prehistoric Times To The Present)*. vol. 3 (of 12 vols). Eds. Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman. Tehran: Manafzadeh Group, London: Oxford University Press, Tokyo: Meiji-shobo.
- Pope, Arthur Upham, (1964). "*Plates of Architecture of The Islamic Period*". In: *A Survey Of Persian Art*. Vol. 8 (of 12 Vols). Eds. Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman. Tehran: Manafzadeh

Group, London: Oxford University Press, Tokyo: Meiji-shobo.

- Pope, Arthur Upham, (1964). "*Plates of Architecture of The Islamic Period*". In: *A Survey Of Persian Art*. Vol. 8 (of 12 Vols). Eds. Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman. Tehran: Manafzadeh Group, London: Oxford University Press, Tokyo: Meiji-shobo.
- Pope, Arthur Upham, (1964). "*The Architecture of The Islamic Period (The Fourteenth Century)*". In: *A Survey Of Persian Art (From Prehistoric Times To The Present)*. vol. 3 (of 12 vols). Eds. Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman. Tehran: Manafzadeh Group, London: Oxford University Press, Tokyo: Meiji-shobo.
- Pope, Arthur Upham, and Phyllis Acherman. (1964). "*The Plates of textiles, metalwork and minor arts*". In: *A Survey Of Persian Art (From Prehistoric Times To The Present)*. vol. 12 (of 12 vols). Eds. Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman. Tehran: Manafzadeh Group, London: Oxford University Press, Tokyo: Meiji-shobo.
- Pope, Arthur, Upham. (1965). *Persian Architecture: The Triumph of Form and Color*. New York: Gorge Braziller.
- Pope, Arthur, Upham. (1976/ 2535). *Introducing Persian Architecture*. Fourth Printing. Iran: SOROUSH PRESS.



- Sarre. Friedrich. (1901-1910). Denkmäler persischer Baukunst. Berlin. Text volume. P.p 116- 119.
- Taboroff, June H. (1981). BISTAM, IRAN: THE ARCHITECTURE, SETTING AND PATRONAGE OF AN ISLAMIC SHRINE, PH.D thesis. New York University.
- Wilber, Donald, N. (1955). THE ARCHITECTURE OF ISLAMIC IRAN, THE Il Khānid Period. 1st Published. PRINCETON, NEW JERSEY: PRINCETON UNIVERSITY PRESS.
- Wilber. (1976). "Builders and Craftsmen of Islamic Iran: the Earlier Periods". In Art and Archaeology Research Papers. X. pp. 31-39.
- Zarei, Mohammad Ebrahim. Et al. (2012). An Analytical View on the Stucco Decorations of Ilkhanid Religious Buildings: A Case Study of Pir-I Bakran, Isfahan, Iran. In IRANIAN JOURNAL OF ARCHAEOLOGICAL STUDIES 2: 2. Pp. 95-108.
- <http://www.metmuseum.org/art/collection/search/652132> (Photoes of Luigi Pesce M.de Blocqueville
- Metrololitan Museum of Art, Gift of Charles Wilkinson, 1977, 684, fol. 40.